

اهداف تربیتی در قصه‌های قرآن

محمود مرویان حسینی

نزدیک به یک سوم آیات قرآن مربوط به حوادث و داستانهای پیشینیان (اقوام و ملل قبل از اسلام) و نیز ماجراهای عهد نزول می‌باشد. گرچه ترسیم جهان آخرت نیز در قالب داستان ارائه شده است.

تأکید قرآن بر استفاده از قالب داستانی و مفاهیم بلندی که در این شکل به پیروان خویش ارائه می‌کند از یک سو و اهمیت روز افزون توجه به ادبیات هنری در دوران ما از سوی دیگر، زمینه شایسته‌ای را برای تدبیر در غرض خداوند از به کارگیری این قالب و کارآمدی‌های آن، فراهم می‌کند.

قصص قرآن همه جانبه، ژرف و پُر نکته‌اند و در آنها اهداف والایی نهفته است. گرچه قالب داستانی، خود جاذبه آفرین و دلکش است، اما قرآن به منظور انتقال پیام‌ها و ارائه مفهوم‌هایی از این قالب استفاده کرده است. در واقع قرآن قصه را در خدمت اهداف دینی و ترویج معارف حقّ قرار داده است.

قرآن سه هدف کلی از بیان قصه‌ها داشته است.

الف) اهداف شناختی - معرفتی

دین به عنوان منشوری فرهنگی، متکفل تبیین حقایق و توضیح معارف پیچیده و اسرار آفرینش، برای نظام بخشیدن به اندیشه و خرد، و جهت دادن به رفتار و گرایش‌ها می‌باشد. گاه معارف غیر محسوس و مجرد، در قالب داستان‌های حسّ برانگیز و تجربه‌های عینی گذشتگان، پلی مناسب برای فهم و درک می‌یابند و از این رو قرآن در قالب تشبیه، تمثیل، قصه‌ای حقیقی و ماجراهای اقوام و ملل به جهت‌دهی فکری و تربیت شناختی اقدام نموده است. اینچنین است که هر نکته‌ای که در مسیر هدایت و فهم دینی لازم بوده است در قالب‌های قصص قرآنی تبیین و تشریح شده است.

«لقد كان في قصصهم عبرة لأولی الالباب ما كان حدیثاً یفتی و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شی و هدی و رحمۀ لقوم یؤمنون» ۱.

علامه طباطبایی «ره» «تفصیل کل شی» را بیان و تمیز هر چیزی می‌شمارد که مردم برای سعادت دنیا و آخرت خویش بدان نیاز دارند. ۲.

بیشترین تأکید قصه‌های قرآن در اهداف معرفتی تبیین سردین و حاملان آن یعنی انبیاء، و حمایت از آنان و ترسیم خطوط کلی معارف دین و راز بنهفته در دستورات شریعت بوده است.

ب) اهداف اجتماعی - تاریخی

اسلام یکی از اجتماعی‌ترین ادیان و مکاتب می‌باشد. قرآن به مقوله‌های اجتماعی از قبیل آداب روابط جمعی، رمز و راز پیروزی یا شکست ملت‌ها و تحلیل سنن و رسوم گروه‌های اجتماعی، اقوام برتر و نمونه، چرایی نعمت یا نعمت الهی، در

قالب هایی متنوع، از جمله قصص قرآنی پرداخته است و همه اینها را فرا راه بشریت می‌نهد تا برنامه زندگی آینده خویش را به درستی تشخیص دهند و ترسیم نمایند .

قرآن تاریخ پیامبران، امت و شاهان را به صورت تابلوهایی زنده و متحرک در ضمن داستانهای خویش باز سازی می‌کند، به گونه‌ای که وقایع تاریخی به شکل وقایع حال حاضر نمود می‌یابد و بسیاری اوقات با فعل (آلم‌تر) مردم را به مشاهده حوادث تاریخی و درس گرفتن از آنها ترغیب می‌نماید .

امام علی علیه السلام به فرزند خویش می‌نویسد :

اخبار گذشتگان را بر قلبت عرضه نما... و در دیار و آثار باستانی آنان گردش کن و بنگر که چه کردند، از کجا به کجا شدند و کجا بار گشودند و در کجا فرود آمدند... پسرکم! هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده‌اند، نزیسته‌ام، اما در کارهایشان نگرسته‌م و در سرگذشت‌هایشان اندیشیده، و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده‌ام تا چون یکی از ایشان گردیده‌ام، بلکه با آگاهی که از کارشان به دست آورده‌ام گویی چنان است که با نخستین تا پسینشان به سر برده‌ام. پس از آنچه - دیدم - روشن را تار و سودمند را از زیانبار باز شناختم و برای تو از هر چیز زبده آن را جدا ساختم، و از میان همه آنها زیباییش را برای انتخاب نمودم. ۳

ج) اهداف اخلاقی - تربیتی

اخلاق عبارت از ملکات نفسانی و حالات روحی - روانی است که باعث می‌شود، فعالیت‌های آدمی - چه زشت یا زیبا - به آسانی از نفس متخلّق به آن اخلاق صادر شود. ۴

یکی از بهترین ادله ضرورت بعثت انبیاء علیهم السلام، سامان بخشیدن به نابسامانی‌های اخلاقی است تا انسانهای بد آموخته را به انسانهایی سالم و فرزانه تربیت کند .

قرآن کریم، مجموعه‌ای متنوع و کامل در قالب‌های گوناگون از مفاهیم اخلاقی - تربیتی برای هدایت و کمال بخشی به آدمی است. قالب داستانی در عین جذّابیت و ترسیم گری، الگوهای فراوانی را در مباحث مختلف اخلاقی ارائه می‌کند و به صورت عینی و تجربی، انسان مؤمن به خویش را در معرض رویدادهای گذشتگان قرار می‌دهد تا باور کند و متحوّل شود . اینک برخی از این اهداف را یادآور می‌شویم .

- 1 معرفی الگوها :

تربیت مُدلی، یکی از بهترین شیوه‌های رایج در تعلیم و تربیت می‌باشد. در این شیوه با ارائه یک الگو و مدل کامل در عرصه‌های گوناگون زندگی مخاطبان را به تطبیق شرائط خویش با آن الگو و نمونه برداری از آن رفتار معیار فرا می‌خوانند. قرآن کریم، پیامبران الهی را بطور اعمّ و پیامبر اسلام (ص) و نیز حضرت ابراهیم (ع) را بطور اخصّ، الگوهای کامل انسانی به منظور جهت گرفتن دیگران، معرفی می‌نماید :

« لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر» ۵

« قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم و الذین معه» ۶

« لقد كان لكم فيهم اسوة حسنة لمن كان يرجوا الله و اليوم الآخر» ۷.

2 - معرفی ویژگی های ممتاز انسانی

قرآن در قالب داستان های خویش از صفات ممتاز مردان و زنان پاک نهاد و بویژه انبیا گفتگو می کند و بدین ترتیب پلکان ترقی و راه رشد را در فضایی زیبا و خیال انگیز، در برابر دیدگان مخاطبان خویش می نهد .
برخی از این ویژگی ها، مشترک افراد بسیاری است و برخی ویژه افراد خاصی .
« كان الناس امة واحدة فعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق...» ۸
« رسلاً مبشرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل» ۹
« فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك» ۱۰
« لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عتتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم» ۱۱
« و ان من شيعته لابراهيم. اذا جاء ربه بقلب سليم» ۱۲
« و اذكر في الكتاب ابراهيم انه كان صديقاً نبياً» ۱۳
« و اذكر في الكتاب اسماعيل انه كان صادق الوعد و كان رسولاً نبياً» ۱۴
« اني لكم رسول امين» ۱۵

3 - تربیت آدمی و باورداشت غیب و مصادیق آن

انسان مادی در مسیر توجه به خداوند و حرکت بسوی او یقین و باور تردیدناپذیر و تجربه شده به غیب، ملکوت، حقایق معنوی فرشتگان، قدرتها و حرکت های غیبی برایش تعیین کننده است. او با این باورداشت است که می تواند در پیچیدگی ها و چالش های زندگی اعتماد و توکل به خداوند و وعده های او نماید و تعبد به اوامر و نواهی او پیدا کند و در مسیر اهداف دین حرکت کند .

داستان های قرآن، در لابلای ماجراهای خویش این ساحت از نیاز بشر را نیز تغذیه می کنند .

« الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوة و ممّا رزقنا هم ينفقون» ۱۶ [در تبیین و تأکید به اصل مفهوم غیب]
« قال الذي عنده علم من الكتاب انا آتيك به قبل ان يرتد اليك طرفك فلما رآه مستقراً عنده قال هذا من فضل ربّي» ۱۷
« هل أتیک حدیث ضیف ابراهیم المکرمین» ۱۸ [در بیان فرشتگان بعنوان موجودات غیبی]
« و كذلك نُرى ابراهيم ملكوت السموات و الارض و ليكون من الموقنين» ۱۹ [در بیان جایگاه های غیبی]
« قال هي عصای أتوكأ عليها و أهشُّ بما على غنمي» ولى فيها مآرب أخرى قال ألقها يا موسى فالحاها فاذا هي حية تسعى قال خذها و لا تخف سنعيدها سيرتها الاولى و اضمم يدك الى جناحك تخرج بيضاء من غير سوء آية اخرى لنريك من آياتنا الكبرى» ۲۰ [در بیان قدرت های غیبی و غیر مادی .]
« انه لقرآن كريم. فى كتاب مكنون. لا يمسه الا المطهرون» ۲۱ [در بیان مراحل و مقامات غیر مادی و غیبی]

4 - معرفی ابلیس و شیطان به عنوان عامل تعیین کننده در انحراف آدمی

شیطان از جمله دشمنان هدایت و کمال یابی آدمی است، که از لحظه اول خلقت آدم در پیامبران و پیروان ایشان طمع نموده با شگردهای گوناگون سعی در اغوای ایشان دارد. قرآن در ضمن داستان‌های خویش در پی نشان دادن لغزشگاه‌ها و زمینه‌های انحراف آدمی است و روشهای مواجهه بایسته انسان مؤمن و رهیدن از کمند شیطان را آموزش می‌دهد.

« یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنّه» ۲۲

« قال یا ابلیس مامنعک ان تسجد لما خلقت بیدی أستکبرت ام کنت من العالین. قال انا خیر منه خلقتی من نار و خلقته من طین» ۲۳.

« رب بما أغوتینى لازینن لهم فی الأرض و لاغوینهم اجمین» ۲۴.

« فانساه الشیطان ذکر ربّه فلَبَثَ فی السجّن بضع سنین» ۲۵.

« ألم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدوّ مبین» ۲۶.

« هل أنبئکم علی من تنزل الشیاطین. تنزل علی کلّ أفاک أثیم» ۲۷.

5 - عبرت آموختن از حوادث گذشته و سرگذشت امت‌های پیشین

قصه‌های قرآنی، سرگذشت گذشتگان را پیش روی بشر می‌نهد تا بوسیله آن فرجام و سرنوشت خویش را رقم زنند. این جمله مشهور که «تاریخ تکرار می‌شود» زمینه‌ای است تا در سخنان، رفتارها، فراز و فرودها، سر برکشیدن‌ها و سر فرود آورده‌ها و اسباب رشد و انحطاط تمدن‌های پیشین، کنکاش و تدبیر نموده، بتوانند رمز بقای مادی و معنوی خویش را بیابند.

قرآن اصرار دارد با توجه کردن و تأمل در رویدادهای گذشتگان و سیر آفاقی (مکانی و زمانی) به عبرت اندوزی برای شکل دادن صحیح به زندگی خویش پردازیم.

اینکه در بیش از ۳۰ سوره قرآن و افزون بر ۱۳۰ مرتبه نام موسی علیه السلام و ماجرای قوم بنی اسرائیل مطرح می‌شود، نشان از تناسب‌های بیشماری میان قوم موسی (ع) و امت اسلامی در اعصار گوناگون دارد و ماجرای آنان دستمایه ارزنده‌ای است برای عمل دیگران.

« أفلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه اللذین من قبلهم» ۲۸.

« قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المجرمین» ۲۹.

« فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین» ۳۰.

« لقد کان فی قصصهم عبرة لأولی الالباب» ۳۱.

« قال علی علیه السلام: عباد الله انّ الدهر یجری بالباقرین کجریه بالماضین» ۳۲.

« قال علیه السلام: (در نامه به حارث همدانی) و اعتبر بما مضی من الدنیا، فانّ بعضها، یشبه بعضاً و آخرها لاحقٌ باولها» ۳۳.

« فالیوم ننحیک ببدنک لتکون لمن خلفک آیه» ۳۴.

6 - تقویت و آرامش بخشی به پیامبر (ص) و امید آفرینی در مؤمنان :
در قصص قرآن تأکید بسیاری بر پیروزی نهایی حق و حق جریان و نابودی سپاه کفر و شرک و نهادهای باطل شده است .

در نقل قول‌های قرآن نسبت به اقوام گذشته می‌بینیم که سرانجام، پیامبران و پیروان ایشان در مصاف باستم پیشگان پیروزی را به چنگ می‌آورند. این برای تبیین پیروزمندی حق در گستره تاریخ، و نشان دادن صدق بودن وعده‌های الهی و همچنین تقویت روحی پیامبر (ص) و اطمینان بخشیدن به پیروان او به منظور جدّ و جهد بیشتر در مسیر دین بوده است و از سوی دیگر جنگ روانی بر علیه مشرکان .

« فَأَنْجِيْنَاهُ (و أصحاب السفينة و جعلناها آيةً للعالمين)» ۳۵
« فما كان جواب قومه (ابراهيم) إلا ان قالوا اقتلوه أو حرّقه فأنجاه الله من النار ان في ذلك لقوم يؤمنون» ۳۶
« فكلاً أخذنا بذنبه فمنهم من أرسلنا عليه حاصباً و منهم من أغرقنا و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا انفسهم يظلمون» ۳۷
« و لقد نصرکم الله ببدر و انتم اذله فاتقوا الله تعلقم تشكرون» ۳۸
« و ما جعله الله الا بشری و لتطمئن قلوبکم به و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم» ۳۹
« و کلا نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک» ۴۰
« ثم نفذجی رسلنا و الذین آمنوا کذلک حقاً علینا نفذج المؤمنین» ۴۱

7 - امداد رسانی خداوند به بندگان شایسته و گره گشایی‌های ویژه الهی
این حقیقت که لطف ویژه پروردگار شامل حال بندگان شایسته‌اش می‌شود و آنان را در بحران‌ها و سختی‌ها یاری می‌رساند، بهترین زمینه برای دین باوری و دلدادگی به گوهرهای معرفتی دین می‌شود و به تدریج روندهای درونی و بیرونی فرد و جامعه را اصلاح می‌کند .

برای اینکه چنین اتفاقی بیفتد و دلها نرم و جانها مشتاق و رفتارها تصحیح شود، قصص قرآنی، تابلوی دلپذیر از دست‌گیری‌های خداوند نسبت به بندگان شایسته‌اش در لحظه‌های التهاب و سختی (سراء و ضراء) تصویر می‌کند :

- ندای یونس در شکم ماهی و نجات او
- ارتباط یوسف در چاه و زندان با خدای خویش
- بشارت حمل عیسی به مریم بدون وجود همسری
- درمان ناباوروری همسر زکریا
- حمایت خداوند از موسی و شکافته شدن دریا
- نابودی سپاه ابراهه
- نجات ابراهیم و برد و سلام شدن آتش برای او
- نجات نوح و همراهانش در طوفان بی سابقه

- نجات پیامبر اسلام (ص) از توطئه قریش در لیلۃ المبیت .

« و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً» ۴۲.

- 8 ارائه ارزشهای کلیدی اخلاقی

از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های تأثیر گذار در موفقیت آدمی در بحران‌ها و رسیدن به یک تصمیم منطقی و مناسب، کنترل هیجانات و صبر و استواری روحی و روانی است. کم نیستند کسانی که در کشاکش ناملایمات و طوفان حوادث، عنان اختیار از کف داده و از مدیریت بحران دست شسته و ناامیدی و اضطراب آنها را به روزمرگی و تسلیم کشانده است! قرآن در قالب داستانهای خویش بر اهمیت استقامت بر اهداف و آرمانها و هدایت خردمندانه ماجراها به عنوان یک ارزش اخلاقی و نیز دیگر ارزشهای اخلاقی تأکید می‌کند.

« فصبر جمیل و الله المستعان علی ما تصفون» ۴۳

« فصبر جمیل عسی الله ان یأتینی بهم جمعياً» ۴۴

« یا بنی اذهبوا فتحسبوا من یوسف و اخیه و لا تائبسوا من روح الله انه لایأس من روح الله الا القوم الکافرون» ۴۵

« ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم السراء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین آمنوا معه متی نصر الله الا ان نصر الله قریب» ۴۶

« فلما فصل طالوت بالجنود قال ان الله مبتلیکم بنهر فمن شرب منه فلیس منی و من لم یطعمه فانه منی الا من اغترف غرفةً بیده فشربو منه الا قليلاً منهم فلما جاوزه هو و الذین آمنوا معه قالوا لا طاقه لنا الیوم بجالوت و جنوده قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة یاذن الله و الله مع الصابرین. و لما برزوا لجالوت و جنوده قالوا ربنا افرغ علینا صبراً و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین» ۴۷.

« و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا علی ما کذبوا و اوذوا حتی اتاهم نصرنا...» ۴۸

« و امر اهلک بالصلوة و اصطر علیها لانسألک رزقاً نحن ذفرزقک و العاقبة للتقوی» ۴۹.

گرچه دیگر فضیلت‌های اخلاقی همچون سکینه (آرامش)، تقوی، وفا، صدق، حق‌گویی و باطل‌ستیزی، دفاع از محرومان و ستم‌دیدگان، توکل، راز و نیاز با خداوند و... نیز در قالب زیبایی داستان‌های قرآن به خوبی پردازش شده، و ارزشمندی آنها، روشهای بدست آوردن آن فضیلت‌ها، آثار، پی آمدها و پاداش‌های آنها تبیین گشته است.

- 9 ترسیم اصل آزمایش امت‌ها با سختی‌ها

هر پیامبری که مبعوث شد و هر جامعه‌ای که سر بر آورد، خداوند ایشان را با مشکلاتی آزمود. امت‌ها اگر توانستند در امتحان الهی همراه با پیامبرشان، بر سر پیمان الهی خویش استوار بمانند و راه ایمانی خویش را ادامه دهند، به فلاح رسیدند و سر فراز شدند و اگر در این امتحان فرو ماندند، از سعادت محروم گشته و سر شکسته گردیدند و از رستگاری دنیا و آخرت محروم ماندند.

آزمون سختی‌ها برای همه امت‌ها بوده است و سنت تخلف‌ناپذیر الهی به شمار می‌آید. بخش قصص قرآنی راز سر فرازی در این آزمون‌ها و یا سر شکستگی را ارائه می‌کند و آدمی را با آسرار سعادت‌مندی آشنا می‌کند و حکمت‌های این سنت فراگیر را روشن می‌نماید.

« و لقد ارسلنا الی أمم من قبلک فاخذنا هم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون» ۵۰.

« و اذ تبلی ابراهیم ربّه بکلمات فأتّمهن قال انّی جاعلک للناس اماماً» ۵۱

« و ظنّ داود انما فتنّاه فاستغفر ربّه و خر راکعاً و اناب» ۵۲.

« و لقد فتننا سلیمان و القینا علی کرسیّه جسداً ثمّ اناب» ۵۳.

« قد فتنّا قومک من بعدک و اظلمهم السامری» ۵۴

« انا مرسلوا الناقه فتنه لهم فارتقبهم و اصطبر» ۵۵.

« و فتناک فتوناً فلبثت سنین فی اهل مدین ثم جئت علی قدر یا موسی» ۵۶

« و لیتبلی الله ما فی صدورکم و لیمحصّ ما فی قلوبکم و الله علیم بذات الصدور» ۵۷.

- 10 ارائه اصول و شیوه‌های تبلیغ

قرآن کتاب یادآوری و بصیرت آفرینی است و پیامبران مدکر و مبلغ دین هستند. بیشترین رسالت انبیاء الهی در زمینه تحقق همین یادآوری و ابلاغ حقایق معنوی به فرزندان بشر بوده است. آیات قرآن و بویژه داستان‌های قرآنی دورنمای شیوه‌های تبلیغی مؤثر و روش‌های کارآمد برای این رسالت است. چگونگی مواجهه سازنده با مردم و به کار گرفتن راهکار و فنونی که موعظه با اقشار و اصناف گوناگون را ثمر بخش نماید و سیر معنوی آنها را سرعت بخشد، در لابلای آیات و قصص قرآن بخوبی نمایان است و درس تربیتی بزرگی برای مریبان و مبلغان دین در عصر حاضر می‌باشد.

« أَدْعُ الی سبیل ربّک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالّتی هی أحسن» ۵۸

علامه طباطبایی در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «موعظه عبارت است از بیانی که نفس شنونده را نرم و قلبش را به رقت آورد.

از اینکه موعظه را به قید حسنه مقید فرمود، فهمیده می‌شود که موعظه غیر حسنه نیز وجود دارد. بنابراین موعظه حسنه، موعظه‌ای است که از جهت تأثیر نیکوی آن در احیاء حق مورد نظر است. و حسن اثر وقتی است که واعظ خودش به آنچه وعظ می‌کند متعظ باشد و از آن گذشته، در وعظ خود آن قدر حسن خلق نشان دهد که کلامش در قلب شنونده مورد قبول افتد و رقت قلب شنونده را در پی داشته باشد. ۵۹»

از جمله سر فصل‌هایی که در این بخش قابل بررسی است، پیام‌های اصلی در دعوت‌های تبلیغی پیامبران است. برخی از گوهرها و پیام‌های بنیادین در تبلیغ سفراء الهی که در ضمن قصص قرآنی قابل استناد است، به ترتیب زیر می‌باشد:

الف) دعوت به آزادی هدفمند:

« قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من

دون الله فان تولّوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» ۶۰.

ب) دعوت به پرهیزگاری و ورع :

« اذ قال لهم اخوهم نوح الا تتقون. انى لكم رسول امين » ٦١

« كذبت عاد المرسلين. اذ قال لهم اخوهم هود الا تتقون » ٦٢

ج) دعوت به تعليم و تزكیه :

« ربنا و ابعث فيهم رسولا منهم يتلوا عليهم آياتك و يعلمهم الكتاب و الحكمة و يزكّهم انك انت العزيز الحكيم » ٦٣

د) نوید و هشدار نسبت به رفتارهای ارزشی و ضد ارزشی مردم :

« يا ايها النبي انا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً و داعياً الى الله باذنه و سراجاً منيراً » ٦٤

ه) دعوت به پرستش و محبت خداوند :

« يا ايها الناس اعبدوا ربكم الذى خلقكم و الذين من قبلكم لعلكم تتقون » ٦٥

« قل ان كان آباءكم و ابناؤكم و اخوانكم و ازواجكم و عشيرتكم و اموال اقترفتموها و تجارة تخشون كسادها و مساكن

ترضونها احب اليكم من الله و رسوله و جهاد في سبيله فترىصوا حتى ياتى الله بامرہ و الله لا يهدى القوم الفاسقين » ٦٦

و) دعوت به برپا داشتن قسط و عدل :

« لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع

للناس... » ٦٧

ز) دعوت به گوهرهای سه گانه دین: توحید، نبوت، معاد :

« و ما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون » ٦٨

« و ما قدره الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء... » ٦٩

« أفحسبتم انا خلقناكم عبثاً و انكم الينا لا ترجعون » ٧٠

شیوه‌های کارآمدی تبلیغی

از جمله سر فصل‌های دیگر در داستان‌های تبلیغی پیامبران در قرآن، شیوه‌های کارآمدی تبلیغ است. بی تردید پیامبران در

جوامعی تاریک، خرافاتی، پر از جهل، آمیخته با فساد و برخوردار از ستم ظهور کردند و توانستند از میان چنین مردمی

انسانهایی خدا باور، حق جو، شایسته و با شخصیت تربیت کنند! این اتفاق نیفتاد مگر به سخت گوش‌های پیامبران و

بهره‌گیری از باریک‌ترین نکته‌ها در روان‌شناسی تبلیغ و البته به هدایت و امداد الهی، برخی از شیوه‌های مؤثر تبلیغی را که

در داستان‌های قرآنی نمود یافته است، اشاره می‌کنیم :

الف) استفاده از روش پرسش و پاسخ، و ضرورت پاسخگویی سریع به شبهات و اشکالات مخاطبان .

« یسئلونک عن الالهة قل... » ٧١

« یسئلونک ماذا ینفقون قل... » ٧٢

« یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل... » ٧٣

« یسئلونک عن الخمر و المسیر قل...و...» ۷۴

« یسئلونک عن الیتامی قل...» ۷۵

« یسئلونک عن المحیض قل...» ۷۶

ب) استفاده از روش مقایسه‌ای :

ارتباط میان مفاهیم در نقش‌پذیری و فهم کامل، سهم زیادی دارد. یکی از ابعاد بلاغت قرآن و معجزه بودن آن به همین نکته مربوط است .

هرگاه ذهن آدمی موفق شود که میان چند مفهوم رابطه‌ای را کشف کند، از یک سو احساس نشاط و خلاقیت می‌کند و از سوی دیگر ذهن فرد از این ارتباط منطقی به مفهومی جدید منتقل می‌شود و از آنجا که خود آن را کشف کرده، بهتر پذیرفته می‌شود و ماندگاری و ثمر بخشی تربیتی بیشتری پیدا می‌کند .

در این میان مفاهیم مخالف و نیز مشابه سهم بیشتری را در ایجاد زنجیره ارتباطی بین مفاهیم و فهم همه جانبه آنها ایفا می‌کنند .

از باب نمونه درک هر یک از دو مفهوم سپیدی و سیاهی، دانایی و نادانی، حق و باطل، ایمان و کفر، نور و ظلمت و... در کنار یکدیگر میسر خواهد بود، در واقع هر مفهوم در کنار ضدش دو بار توجه و تأکید می‌شود .
در داستان‌های قرآنی برای تأثیر گذاری بیشتر از این شیوه در بیانات انبیاء استفاده شده است .

« مثل الفریقین کالأعمی و الأصمّ و البصیر و السمیع هل یتویان مثلاً أفلا تذکرون» ۷۷

« هل یتوی الأعمی و البصیر أم هل تستوی الظلمات و النور» ۷۸

(به پیامبر توصیه می‌شود که به مشرکانی که پرستش بت را با پرستش خداوند در یک ردیف قرار داده‌اند، چنین بگویند) .

« یا صاحبی السجن ارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار» ۷۹

« لا یتوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و المجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم» ۸۰

« قل لا یتوی الخبیث و الطیب ولو اعجبتک کثرة الخبیث» ۸۱

« قل نارجهنم اشدّ حرّاً لو کانوا یفقهون» ۸۲

(به پیامبر توصیه می‌شود که کسانی که گرما را بهانه‌ای برای عدم شرکت در جهاد قرار داده‌اند، چنین بگویند) .

ج) استفاده از روش پرسشگری

یکی از روشهای کارآمدی که قرآن در آیات گوناگون و همچنین قصه‌های خویش برای متقاعد سازی و ایجاد حالت پذیرش درونی و تحول در مخاطبان، از آن بهره می‌گیرد، روش پرسشگری است. در این روش با پرسش‌هایی صریح فرد را به وجدان و فطرت سلیم خودش ارجاع می‌دهند و بی آنکه منتظر جواب حضوری او باشند، پاسخ درونی و خود انگیخته فرد، مقدمه تحول و همراهی را فراهم می‌سازد .

« أفلا ينظرون الى الابل كيف خلقت. و الى السماء كيف رفعت. و الى الجبال كيف نصبت. و الى الارض كيف سطحت. فذکر انما انت مذکر» ۸۳

« هل يستوى الاعمی و البصیر ام هل تستوى الظلمات و النور» ۸۴

« يا صاحبی السجن أأربب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار» ۸۵

« قالت رسلهم أفی الله شك فاطر السموات و الارض» ۸۶

د) استفاده از روش جزئی نگری در پیام‌های رفتاری

کلی گویی در تربیت، آسیبی است جدی. با کلی گویی ابهام آفریده می‌شود و هر کس بر اساس فهم شخصی به سراغ عرصه عمل می‌رود و محصول چیزی خواهد بود کاملاً متفاوت از مقصود. قرآن در توصیه‌ها و ترسیم سازی خویش، تاکید بر نمایاندن هدف‌های رفتاری جزئی دارد، تا دورنمای عمل کاملاً تبیین شود و مخاطب بتواند مسیر خواسته شده را تشخیص دهد. در این صورت است که ابزارهای تربیتی از جمله تبشیر و تندی (تشویق و تنبیه) مفید می‌افتد و موجب افزایش رفتار مثبت یا کاهش رفتار مشخص منفی خواهد شد. یکی از وجوه بلاغ مبین در دعوت‌های انبیاء همین نکته می‌باشد.

... « رب العالمین. الذی خلقنی فهو یهدین و الذی هو یطعمنی و یسقین. و اذا مرضت فهو یشفین. و الذی یمیتنی

ثم یحیین. و الذی اطعم ان یغفرلی خطیئتی یوم الدین» ۸۷.

« یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لاتسرفوا» ۸۸

« قل أمر ربی بالقسط و اقیموا و جوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین» ۸۹

« فما علی الرسول الا البلاغ المبین» ۹۰

ه) استفاده از روش مستند نمایی و متقاعد سازی

قرآن در بیانات خویش، هم خود را کتاب محکم و استوار و مستند معرفی می‌کند و هم از مخاطبان می‌خواهد که مطالب خویش را به دلیل و برهان مستند نمایند، تا پذیرفته شود. بر همین اساس بیانات پیامبران در قرآن همراه با ادله، حکمت‌ها، مبانی و پشتوانه‌های عرفی و عقلی است تا با این توجیهاات زمینه پذیرش قلبی و انگیزش رفتاری فراهم شود.

« الر کتاب أحکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر» ۹۱

(علامه طبرسی در ذیل این آیه در تفسیر مجمع البیان می‌گوید: احکام به معنی اتقان و استوار کردن است)

« یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولاً سدیداً. یصلح لکم اعمالکم» ۹۲

« یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» ۹۳

« و علمناه صنعاً لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم» ۹۴

« قالت رسلهم أفی الله شک فاطر السموات و الارض یدعوکم لیغفر لکم من ذنوبکم و یؤخرکم الی أجل مسمی» ۹۵

« فقلت استغفروا ربکم انه کان غفاراً. یرسل السماء علیکم مدراراً. و یمدکم باموال و نبین و یجعل لکم جنات و یجعل

لکم انهاراً» ۹۶

« ام لكم سلطان مبين. فأتوا بكتابتكم ان كنتم صادقين » ۹۷.

(در این آیه پس از اینکه اظهارات کفر آلود مشرکان درباره ملائکه و خلقت آنها را نقل می‌کند، می‌گوید که اگر بر ادعاهای خویش دلیلی آشکار دارید و راست می‌گویید، سند خویش را ارائه کنید) !!

ز) استفاده از روش مناظره (مجادله)

علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه « ادع الی سبیل ربک بالحکمۀ و الموعظة الحسنۀ و جادلهم بالتی هی احسن » ۹۸ می‌گوید: « جدال عبارت است از دلیلی که صرفاً برای منصرف نمودن خصم از آنچه که بر سر آن با ما نزاع می‌کند، به کار رود، بدون آنکه خاصیت روشنگری حق را داشته باشد. بلکه عبارت است از اینکه آنچه را که خصم خودش به تنهایی و یا او و همه مردم قبول دارند بگیریم و با همان مطلب، ادعای وی را رد کنیم و... از اینکه موعظه را به قید حسنه و جدال را به أحسن مقید فرموده است، فهمیده می‌شود که موعظه غیر حسنه و جدال غیر احسن نیز وجود دارد... جدال أحسن جدالی است که طرف مخاطب را به عناد و لجبازی نکشاند و مقدمات جاذبه را هر چند که خصم، راستش بپندارد، به کار نبرد و همچنین از بی‌عفتی در کلام و از سوء تعبیر اجتناب کند و به خصم خود و به مقدمات او توهین ننماید و فحش و ناسزا نگوید و از هر نادانی دیگری پرهیزد. همچنین استفاده از اعتقادات مشترک نیز به عنوان یکی از نشانه‌های جدال احسن می‌باشد. در روش مناظره (مجادله احسن) قرآن در ضمن داستان‌های انبیاء، آموزش می‌دهد که بایستی مجادله را با دلایل قطعی و برهان روشن پشتیبانی نمود. پیامبران همواره ادعای خویش بر توحید و حق پرستی را با دلیل قطعی همراه می‌ساختند و از مخالفان می‌خواستند که آنها اگر دلیلی بر خلاف دارند ارائه نمایند. علامه طباطبایی در این باره می‌گوید: « جمله «هاتوا برهانکم هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی» ۹۹ از قبیل منع با ذکر دلیل است و این منع با سند خود یکی از اصطلاحات فن مناظره است و حاصل معنای آن، این است که شخصی از طرف مناظره خود که مدعی است، دلیل بخواهد و در ضمن بگوید: من از اینکه از تو دلیل می‌خواهم به خاطر این است که خودم دلیلی بر خلاف ادعای تو دارم. ۱۰۰ »

- امام صادق علیه السلام در شرح آیه ۱۱۱ سوره بقره همین مطلب را تأکید می‌کند:

قال الله تعالى «تلك أمانيهم قل هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين» فجعل علم الصدق و الايمان بالبرهان و هل يؤتى بالبرهان الا في الجدل بالتی هی احسن. ۱۰۱

« ألم تر الی الذی حاجّ ابراهیم فی ربّه ان آتاه الله الملك اذ قال ابراهیم ربّی الذی یحیی و یمیت قال انا احيی و امیت قال ابراهیم فإنّ الله یأتی بالشمس من المشرق فأت بها من المغرب فبهت الذی کفر. ۱۰۲ »

« فلما جنّ علیه اللیل رأى کوباً قال هذا ربّی فلما أفل قال لا أحبّ الآفلین. فلما رأى القمر بازغاً قال هذا ربّی فلما أفل قال لئن لم یهدنی ربّی لأکوننّ من القوم الظالمین. فلما رأى الشمس بازغاً قال هذا ربّی هذا أكبر فلما افلت قال یا قوم انّی بریء مما تشرکون. انّی و جهّتی وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً و ما انا من المشرکین. و حاجّه قومه قال أتحتاجونّی فی الله و قد هدان... ۱۰۳ »

ح) استفاده از روش مشورت برای رسیدن به فهم جمعی و همه جانبه پرورش شخصیت‌ها.

« و شاورهم فی الأمر فاذا عزمتم فتوکل علی الله» ۱۰۴
 « قالت یا ایها الملاء أفتونی فی امری ما کنت قاطعاً امرأً حتی تشهدون» ۱۰۵
 ط) استفاده از روش اولویت‌شناسی و پرهیز از ارائه پیام‌های متعدد در تبلیغ
 « قل أنما اعظکم بواحدۃ ان تقوموا لله مثنی و فرادی ثم تنفکروا...» ۱۰۶
 « قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمۃ سواء بیننا و بینکم ألا نعبد الا الله و لا نشرک به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» ۱۰۷

ی) تأکید بر تنظیم محتوای تبلیغ با سطوح مخاطبان
 از آنجا که در هر انتقال مفهوم و فرایند تبلیغ چهار عنصر به پیام رسان، پیام گیرنده، محتوای پیام و قالب پیام دخالت دارند، می‌بایست محتوای پیام کاملاً با سطح فکری (دغدغه‌ها، نیازها، علاقه‌ها، توانایی‌ها، قدرت فهم و واژگان ارتباطی) مخاطب (گیرنده پیام) متناسب باشد. و الا بهترین پیام‌ها نیز نمی‌توانند به فهم و ارتباط فعال و پایدار بینجامد.
 قرآن در قالب پیام‌هایی که در قصص، منتقل نموده است به این نکته مهم نیز توجه کرده است.

« و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم» ۱۰۸
 « انا انزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون» ۱۰۹
 « ثم أرسلنا رسلنا تتری» (۱۱۰) تتری به معنی فرستادن یکی پس از دیگری که اشاره به سنت پیشبرد تدریجی بشر در مسیر تکامل می‌باشد.

« و لقد یسرنا القرآن للذکر» ۱۱۱
 علامه طباطبایی ذیل این آیه در تفسیر المیزان می‌نویسد: آسان کردن قرآن برای ذکر، این است که آنرا طوری به شنونده القا کند و با عباراتی در آورد که فهم مقاصدش برای عامه و خاصه و برای فهم‌های ساده و عمیق آسان گردد و هر یک به قدر فهم خود چیزی از آن بفهمند.
 « فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون» ۱۱۲
 - امام صادق (ع) در توضیح آیه‌های ۲۰ و ۲۱ سوره ذاریات «و فی الارض آیات للموقنین و فی انفسکم افلا تبصرون» درباره نشانه‌های قدرت خداوند که در خود انسان وجود دارد، به مخاطب چنین می‌فرماید: «خداوند تو را شنوا و بینا آفریده است که هم خشم می‌کنی و هم خشنود و راضی می‌شوی، هم گرسنه می‌شوی و هم سیر می‌شوی و اینها همه از نشانه‌های پروردگار است» ۱۱۳. مشاهده می‌کنیم با آنکه نشانه‌های فراوانی در خلقت آدمی بر قدرت خداوند وجود دارد، امام با توجه به سطح مخاطب به موارد بسیار ساده‌ای اشاره می‌کنند.

« الامام الهادی علیه السلام: فی جواب ابن السکیت عن علته بعث موسی بالعصا ویده البضیاء و آله السحر و بعث عیسی باله الطب و بعث محمد صلی الله علیه و آله و علی جمیع الانبیاء بالكلام و الخطب :- ان الله لما بعث موسی علیه السلام کان الغالب علی اهل عصره السحر فأتاهم من عند الله بمالم یکن فی وسعهم مثله، و ما ابطل به سحرهم و اثبت به الحجۃ علیهم. و ان الله بعث عیسی (ع) فی وقت قد ظهرت فیہ الزمانات و احتاج الناس الی الطب، فاتا هم من عند الله بمالم یکن

عند هم مثله، و بما أحيالهم الموتى، و أبرأ الاكمه و الابرص باذن الله، و اثبت به الحجج عليهم، و ان الله بعث محمداً (ص) في وقت كان الغالب على اهل عصره الخطب و الكلام - و اظنه قال: الشعر - فأتاهم من عند الله من مواعظه و حكمه ما ابطل به قولهم و اثبت به الحجج عليهم. «١١٤»

آسیب‌شناسی عرصه تبلیغ

از جمله دستاوردهای دیگر داستان‌های قرآن که به عرصه تبلیغ در بیانات پیامبران مربوط می‌شود، آسیب‌شناسی عرصه تبلیغ است.

آسیب‌شناسی هر موضوع، فصل مهمی در تبیین دستاوردها و محافظت از نفوذ عوامل منفی در آن موضوع می‌باشد. در لابلاي داستان‌های قرآن به مناسبت، گاه به آفت‌ها و آسیب‌های تبلیغ پرداخته شده، و هشدارهایی درباره این عوامل داده است. از جمله :

- ناهمگونی کردار با گفتار: «يا ايها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون كبر مقتاً عند الله ان تقولوا مالا تفعلون». «١١٥»

« أتأمرون الناس بالبرّ و تنسون انفسكم و انتم تتلون الكتاب أفلا تعقلون». «١١٦»

« عنه صلى الله عليه و آله و سلم لابن مسعود: يابن مسعود! لا تكونن ممن يهدى الناس الى الخير و يأمرهم بالخير و هو غافلٌ عنه، يقول الله تعالى) أتأمرون الناس بالبرّ و تنسون انفسكم (يابن مسعود! لا تكن ممن يشدّد على الناس و هو يخفّف عن نفسه، يقول الله تعالى) لم تقولون مالا تفعلون(. «١١٧»

- اجبار و اكره نمودن دیگران در تن دادن به ارزشها :

« فذكر انما انت مذكر لست عليهم بمصيطر. الا من تولّى و كفر». «١١٨»

« و لو شأربك لآمن من فى الارض جميعاً أفانت تكره الناس حتى يكونوا مؤمنين». «١١٩»

- پنهان کاری حقایق :

« ان الذين يكتُمون ما انزل الله من الكتاب و يشترون به ثمناً قليلاً اولئك ما يأكلون فى بطونهم الا النار و لا يكلمهم الله يوم القيامة و لا يزكّيهم و لهم عذاب اليم». «١٢٠»

« و اذ اخذ الله ميثاق الذين اتوا الكتاب لتبيننه للناس و لا تكتمونه فنبدوه ظهور وراء هم واشتروا به ثمناً قليلاً فبئس ما يشترون». «١٢١»

در خواست اجرت و مزد

« نوح) و ما اسألكم عليه من اجر ان اجرى الا على ربّ العالمين». «١٢٢»

« هود) و ما اسألكم عليه من اجر ان اجرى الا على ربّ العالمين». «١٢٣»

« صالح) و ما اسألكم عليه من اجر ان اجرى الا على ربّ العالمين». «١٢٤»

« لوط) و ما اسألكم عليه من اجر ان اجرى الا على ربّ العالمين». «١٢٥»

« شعيب) و ما اسألكم عليه من اجر ان اجرى الا على ربّ العالمين». «١٢٦»

« پیامبر اسلام (ص) قل ما اسألكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربّه سبيلاً». «١٢٧»

- « اهل البيت) انما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاءً و لا شكوراً» ۱۲۸.
- « فإن توليتم فما سألتكم من اجر ان اجرى على الله و امرت ان اكون من المسلمين» ۱۲۹.
- پرداختن به مردم بدون پرداختن به خویشاوندان و نزدیکان :
- « و أنذر عشيرتک الاقربین» ۱۳۰
- « و اذکر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً و کان یأمرهم بالصلاة و الزکاة» ۱۳۱
- « یا ایها النبی قل لأزواجک ان کتنن تردن الحیوة الدنيا و زینتها فتعالین أمتعنن و اسرحکن سراحاً جمیلاً» ۱۳۲.
- تصور اینکه عامل اصلی در هدایت و تربیت محیط است .
- « و ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأة فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة و نجنی من فرعون و عمله» ۱۳۳
- « ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأة نوح و لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما فلم یغنیا عنهما من الله شیئاً» ۱۳۴.
- « تخرج الحی من المیت و تُخرج المیت من الحی و ترزق من تشاء بغير حساب» ۱۳۵.
- دعوت به مطالب دروغ و غیر واقعی و تحریف شده :
- « و لا تقولوا لما تصیف ألسنتکم الکذبَ هذا حلالٌ و هذا حرامٌ لَتَفْتُرُوا على الله الکذبَ ان الذین یفترون على الله الکذبَ لا یفلحون» ۱۳۶.
- « و من اظلم ممن افتری على الله کذباً اولئک یعرضون على ربهم و یقول الأشهاد هؤلاء الذین کذبوا على ربهم الا لغته الله على الظالمین» ۱۳۷.
- تندخویی و خشونت در برخورد به هنگام دعوت به معارف دین :
- « فبما رحمته من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لا نفضوا من حولک» ۱۳۸.
- « اذهبوا الی فرعون انه طغی و قولاً له قولاً لیناً لعله یتذکر او یخشی» ۱۳۹.
- « و انک لعلی خلقٍ عظیم» ۱۴۰.
- 1 - یوسف ۱۱۱ .
- 2 - المیزان، ج ۱۱، ص ۳۰۸ .
- 3 - نهج البلاغه، نامه ۳۱ .
- 4 - آیه ... جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن ص ۷۴ .
- 5 - احزاب ۲۱/ .
- 6 - ممتحنه ۴/ .
- 7 - ممتحنه ۶/ .
- 8 - بقره ۲۱۳/ .

- 9 نساء / ١٦٥ .
- 10 آل عمران / ١٥٩ .
- 11 توبه / ١٢٨ .
- 12 صافات / ٨٤ .
- 13 مريم / ٤٠ .
- 14 ص / ٨٢ .
- 15 شعراء / ١٦٢ .
- 16 بقره / ٣ .
- 17 نمل / ٤٠ .
- 18 ذاريات / ٢٤ .
- 19 انعام / ٧٥ .
- 20 طه / ١٧ .
- 21 واقعه / ٧٧-٧٩ .
- 22 اعراف / ٣٧ .
- 23 ص / ٧٦ .
- 24 حجر / ٢٩ .
- 25 يوسف / ٤٢ .
- 26 يس / ٦٠ .
- 27 شعراء / ٢٢١ .
- 28 غافر (مؤمن) / ٨٢ .
- 29 نحل / ٦٩ .
- 30 نحل / ٣٦ .
- 31 يوسف / ١١١ .
- 32 نهج البلاغه فيض الاسلام خطبه / ١٥٦ .
- 33 همان، نامه / ٦٩ .
- 34 يونس / ٩٢ .
- 35 عنكبوت / ١٤ .
- 36 عنكبوت / ٢٤ .
- 37 عنكبوت / ٤٠ .

- 38 آل عمران / ۱۲۳ .
- 39 آل عمران / ۱۲۵ .
- 40 هود / ۱۲۰ .
- 41 یونس / ۱۰۳ .
- 42 نساء / ۶۹ .
- 43 یوسف / ۱۸ .
- 44 یوسف / ۸۳ .
- 45 یوسف / ۸۷ .
- 46 بقره / ۲۱۴ .
- 47 بقره / ۲۴۹ .
- 48 انعام / ۴۳ .
- 49 طه / ۱۳۲ .
- 50 انعام / ۴۲ .
- 51 بقره / ۱۲۴ .
- 52 ص / ۲۴ .
- 53 ص / ۳۴ .
- 54 طه / ۸۵ .
- 55 قمر / ۲۷ .
- 56 طه / ۴۰ .
- 57 آل عمران / ۱۵۴ .
- 58 نحل / ۱۲۵ .
- 59 المیزان ج، ص .
- 60 آل عمران / ۶۴ .
- 61 شعراء ۱۰۵ و ۱۰۶ .
- 62 شعراء ۱۲۳ و ۱۲۴ و نیز همین مضمون در شعراء ۱۴۴-۱۴۲ و شعراء ۱۶۲-۱۶۰ و شعراء ۱۷۹-۱۷۶ .
- 63 بقره ۱۲۹ و نیز ر. ک به جمعه ۲، بقره ۱۵۱ .
- 64 احزاب ۴۵ و ۴۶ و نیز سبا ۲۸، نساء ۱۶۵ و . . .
- 65 بقره ۲۱ .
- 66 توبه / ۲۴ .

- 67 - حديد / ٢٥ .
- 68 - انبياء / ٢٥ .
- 69 - انعام / ٩١ .
- 70 - مؤمنون / ١١٥ .
- 71 - بقره / ١٧٩ .
- 72 - بقره / ٢١٥ .
- 73 - بقره / ٢١٧ .
- 74 - بقره / ٢١٩ .
- 75 - بقره / ٢٢٠ .
- 76 - بقره / ٢٢٢ .
- 77 - هود / ٢٤ .
- 78 - رعد / ١٦ .
- 79 - يوسف / ٣٩ .
- 80 - نساء / ٩٥ .
- 81 - مائده / ٩٩ .
- 82 - توبه / ٨١ .
- 83 - غاشيه / ١٩ .
- 84 - رعد / ١٦ .
- 85 - يوسف / ٢٩ .
- 86 - ابراهيم / ١٠ .
- 87 - شعراء ٧٧-٨٢ .
- 88 - اعراف / ٣١ .
- 89 - اعراف / ٢٩ .
- 90 - نحل / ٣٥ .
- 91 - هود / ١ .
- 92 - احزاب / ٧٠ .
- 93 - بقره / ١٨٣ .
- 94 - انبياء / ٨٠ .
- 95 - ابراهيم / ١٠ .

- 96 نوح / ١٠ .
- 97 صافات / ١٥٦ .
- 98 نحل / ١٢٥ .
- 99 انبياء / ٢٤ .
- 100 الميزان ج ١٤ ص ٢٧٤ .
- 101 بحار الانوار، علامه مجلسي، ج ٢، ص ١٢٥ .
- 102 بقره / ٢٥٨ .
- 103 انعام / ٧٥ .
- 104 آل عمران / ١٥٩ .
- 105 نحل / ٣١ .
- 106 سبأ / ٤٦ .
- 107 آل عمران / ٦٤ .
- 108 ابراهيم / ٤ .
- 109 يوسف / ٢ .
- 110 مؤمنون / ٤٤ .
- 111 قمر / ١٧ .
- 112 دخان / ٥٨ .
- 113 تفسير مجمع البيان ذيل ذاريات ٢٠ و ٢١ .
- 114 كافي، كليني ج ١ ص ٢٤ .
- 115 صف / ٢ .
- 116 بقره / ٤٤ .
- 117 مكارم الاخلاق، حسن بن علي فضل طبرسي، جلد ٢، ص ٣٦٠ .
- 118 غاشيه / ٢١ .
- 119 يونس / ٩٩ .
- 120 بقره / ١٧٤ .
- 121 آل عمران / ١٨٧ .
- 122 شعراء / ١٠٩ .
- 123 شعراء / ١٢٧ .
- 124 شعراء / ١٤٥ .

- 125 شعراء / ١٦٤ .
- 126 شعراء / ١٨٠ .
- 127 فرقان / ٥٧ .
- 128 انسان / ٩ .
- 129 يونس / ٧٢ .
- 130 شعراء / ٢١٤ .
- 131 مريم ٥٥ و ٥٤ .
- 132 احزاب / ٢٨ .
- 133 تحريم / ١١ .
- 134 تحريم / ١٠ .
- 135 آل عمران / ٢٧ .
- 136 نحل / ١١٦ .
- 137 هود / ١٨ .
- 138 آل عمران / ١٥٩ .
- 139 طه / ٤٣ .
- 140 قلم / ٤ .